

میدون و سوفیا

گریه کنم خوبه؟

پوریا عالمی

● بابای سوفیا: شما چه مرگنه آقای عزیز؟ این چه حرکات جلفی است که انجام می‌دهی؟ وایسا مثل بچه آدم بگو ببینم چته؟ در جلسه خواستگاری و این مسخره‌بازی‌ها؟ میدون دوم: راستش توجه بفرمایید که نون چارکی سه عباسی، پنیر سیری دو عباسی، آدم مفلس رو چو من وا می‌داره به حرکات موزون جلف. جای این حرکات، بشنیم گریه کنم خوبه؟

بابای سوفیا: خاک تو سرت کنند. حالا چرا ویدئو می‌گیری می‌گذاری توی اینستاگرام؟ میدون دوم: راستش کار دیگه‌ای بلد نیستم. من هم خیلی دوست داشتم ماشین پورشه وارد می‌کردم و با پورشه‌هام عکس سلفی و ویدئو می‌گرفتم توی اینستاگرام منتشر می‌کردم.

بابای سوفیا: آخه تو با این قیافه و هیکل چرا باید لایک‌خورت بالا باشد؟ به قول یک فیلسوف «خیلی بوی خوبی می‌دهی جلوی باد هم نشستی» یا «خیلی خوش پروایی لب خرنیم نه نشستی». حالا تو خیلی چی هستی که ویدئو از خودت منتشر می‌کنی؟ میدون دوم: آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. من هم این حرکاتم از دل برآمده.

بابای سوفیا: تو با چه دل‌وچرنتی آمدی خواستگاری سوفیا؟ نه ماشین وارد می‌کنی، نه ارز دولتی می‌گیری به قیمت آزاد می‌فروشی، نه رانت می‌خوری، نه برای یک سکه صدجور معلق می‌زنی و مجیز می‌خوانی، نه زنت خوب است...

میدون دوم: والا این چیزها را که ندارم، ولی همین که آدم هستم فکر کردم خیلی مزیت خاصی است در این زمانه.

بابای سوفیا: گارسون... لطفا صورت‌حساب میز ما را بیاورید.

میدون دوم می‌گوید: من حساب می‌کنم.

بعد صورت‌حساب را از دست گارسون می‌گیرد و نگاه می‌کند. بعد بلند می‌شود و می‌رود روی میز رستوران و با گرداندن کمر حول محور ستون فقرات و سپس حرکت‌دادن دست به نحوی که انگار قرار است لامپ ببندد، شروع به خواندن می‌کند: نون چارکی سه عباسی... سکه ربعی یک میلیون عباسی، دلار دونه‌ای صد هزار عباسی، صورت‌حساب رستوران یک میلیارد عباسی، آدم مفلس رو چو من جای گریه‌وزاری‌کردن، وا می‌داره به حرکات موزون.در همین لحظه هزاران نفر از نمایش خیره‌کننده میدون دوم روی میز رستوران با موبایل فیلم گرفتند و در اینترنت منتشر کردند و میدون دوم تبدیل به شاخ اینستاگرام شد و سپس تلویزیون نشانش داد که داشت گریه می‌کرد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۷ • ۲۶ شوال ۱۴۳۹ • ۱۰ جولای ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۹۰ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۱۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۷

روزنارخرا

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

ترامپ: قوانین احکامه مهاجرت را فوراً اصلاح کنید



یادداشت

رقص همان زبان است

رهبر قنبری . کارگردان سینما

● هر حرکت ابتدایی انسان برای تأمین مایحتاج روزانه، شروع زبان است. وقتی که تأمین مایحتاج اولیه، خصوصاً به هنگام شکار حیوانات با سختی میسر می‌شود، انسان‌ها نیازمند اعمالی مقدماتی برای انجام شکار هستند و این لحظه شروع رقص در تاریخ بشر است که خود را به جهان‌های مدرن‌تر بعد از خود نیز تسری داده تا دیگر نه برای تأمین ملزومات ابتدایی به کار آید و بلکه این‌بار در اثر نارسایی زبان متداول و مصطلح گفتاری، انسان‌های مدرن برای بیان منویات درونی خود در نارسایی زبان‌ها و حتی فرهنگ‌ها، اقدام به رقص کنند. پس می‌توان متصور شد که هر رقصی نهایتاً یک زبان است، خواه این رقص مبتذل باشد، خواه سماع درویشانه یا رقص اپرایی و باله، با این تفاوت که رقص‌ها هرچه مبتذل‌تر باشند، نشانگر نارسایی زبان و گفتار و منش و کردار عوامل فرهنگی جوامعی هستند که قدرت بیان خواسته‌های درونی انسان‌های تحت پوشش خود را حتی به شکل ابتدایی نداشته و موجبات شکوفایی خود و انسان‌های تحت پوشش خود را نیز فراهم نیاورده‌اند، اما آنچه به‌عنوان رقص‌های متعالی همانند سماع، رقص در اپراها و باله‌ها رایج است، حکایت دیگری دارد و آن اینکه اکنون در تعالی‌بخشی به زبان‌های ابتدایی و حتی مدرن، نوعی همسویی میان اجزای یک جامعه با بخش بزرگی از آن جامعه به وجود آمده است تا با چنین رقص‌هایی یا همان «حرکات موزون» ضمن همدلی و همراهی اجزای جامعه در نارسایی زبان مصطلح رایج، به جهان‌های معنایی ناشناخته اشاره شود، اما چنین نارسایی‌ای در تعالی‌بخشی به زبان جمععی کجا و نارسایی در عدم تأمین خواسته‌های اولیه بشری کجا؟! امروز ممکن است یکی رقص مبتذل کند تا همان، نقدی بر وضعیت فرهنگی یک جامعه امروزی شود و جمعی حرکات موزون (رقص) جمعی به همراه شعر و آواز و آواهای نامأنوس با زبان رایج را انجام دهند و معنویت و تعالی‌جویی را در ذهن و روح بینندگان و شنوندگان خود بر جای گذارند. شخصاً چون آذری هستم، هرگز به خاطر ندارم از رقص‌های رایج در میان قوم خود رضایت خاطر داشته باشم، چراکه اکثر آنها رقص‌های رزمی و حماسی تاریخ‌گذاشته هستند و کمابیش کپی‌برداری‌شده از روی رقص‌های اقوام دیگری مانند قزاق‌ها، تاتارها، چرکس‌ها، لرگی‌ها و شالاکون‌ها که نمی‌توانند مبین وضعیت فعلی جامعه خود باشند و از این دست، رقص‌های شمشیر عربی، رقص با اسب‌ها و شترها و رقص‌های رزمی نیز قابل‌ذکرند که صرفاً تفتنی یا همان رقص‌های موزه‌ای محسوب می‌شوند، اما برای روشن‌شدن مطلب باید به سماع دسته‌های سینه‌زنی و عزاداران خودمان نیز بپردازم که آنها نیز در زدن دست‌ها بر سر و سینه و در ریتم و تمپو و کوبش دهل‌ها و طبل‌ها عملاً نوعی موزونی را در پیش گرفته‌اند تا به‌اصطلاح در نارسایی زبان متداول به معنوتی غیرقابل‌بیان با زبان مصطلح اشاره ببرند. حال تصور بفرمایید رقص از هر دست دخترکان و پسرکان یک جامعه، آیا آنها را که ظرفیت فکری و ذهنی‌شان در حال بالیدن است، باید مورد نقد، انتقاد، اعتراض و شدت قرار داد یا عوامل و مسئولان فرهنگی آن جامعه را که با کارکردها و هزینه‌های بیکران خود نتوانسته‌اند رقص‌ها را از ابتدائیات انسان‌های جامعه خودی، به امری متعال، هرچند نه مانند اپرا یا باله و شاید سماع جمعی مانند همدلی و همراهی در سماع عزادارانه تبدیل کنند؟

آکادمی

تبریز، تابستان و راننده تاکسی‌ها

طلایی تا پایان یک کتاب فلسفی، یک پروژه صنعتی یا به‌سامان‌رساندن یک خانواده دچار مشکل هم باشد. - یک تا دو درصد مردم نازنجکی به نام «انوربسم» در مغز خود دارند که گاه بی‌مقدمه منفجر شده و مرگ ناگهانی در زمین فوتبال، روی صحنه یا به هنگام کار را ایجاد می‌کند.

- پیشرفت‌های شکفت‌آور در تکنیک‌های توانبخشی سکنه مغزی، انعطاف‌پذیری بی‌نظیر مغز را ثابت کرد و آن را به‌نجو معجزه‌آسایی به‌کار گرفت.

پنجشنبه گذشته، موضوع بحث با همت همکاران متخصص مغز- و اعصاب آذربایجان تنها حول ترومبوز سینوسی بود و تمام ابعاد آن مورد بحث، بررسی و تعمق قرار گرفت. این گردهمایی، تلاشی بود در جهتی مخالف با اقیانوس‌هایی که می‌گویند تنها یک بند انگشت عمق دارند. بی‌تردید موضوعات برشمرده بالا هم موضوع سمبوزیوم‌های فصلی آینده انجمن خواهند بود، اما باید تأکید کرد نیل به حداقلی از پیشرفت در این زمینه‌های بسیار حیاتی از ید متخصصان مغز و اعصاب و انجمن‌هایشان به‌تنهایی خارج است و همیاری و توجه تمام اقشار از مسئولان، مشاهیر، هنرمندان، اصحاب رسانه و سیاست‌مداران را می‌طلبد.

اصلی در سیستم شریانی یا سرخرگ است که خون را به مغز می‌رساند و نه سینوس‌ها یا وریدهایی که خون را از مغز خارج می‌کنند. انسداد در عروق خارج‌کننده مغز هم اگرچه قطعاً نوعی سکنه مغزی است، اما با اشکال متعارف آن از نظر علائم بالینی به‌شدت متفاوت است. ترومبوز سینوسی به دلیل اختلال و گرفتگی در راه‌های تخلیه‌کننده مغز پدید می‌آید و مثل گرفتگی در هر جاکه دیگری، غلیظ‌شدن خون به دلیل کم‌آبی بدن نقش زیادی در بروز آن دارد. تا چند سال پیش که این بیماری به‌خوبی شناخته‌شده نبود، برای بیماران تشخیص‌های دیگری از تومور مغزی گرفته‌تا صرع و عفونت‌های مغزی مطرح می‌شد. جنبه‌های مختلف سکنه مغزی و حالات کوناگونی که اخیراً اهمیت آنها آشکار شده محدود به ترومبوز سینوسی نیستند. معلوم شده است:

- شیوع سکنه مغزی در کودکان و حتی نوزادان بسیار بیش از آن چیزی است که تاکنون تصور می‌شد، اما تظاهرات متفاوتی دارد.

- روش‌های پیشگیری از سکنه مغزی تنوع و پیشرفت‌های شکفت‌انگیزی پیدا کرده‌اند. استفاده از ایب- روش‌ها البته به معنای حفظ کیفیت حیات در توده‌های وسیعی از مردم است. به همین دلیل است که می‌تواند به‌معنای تأمین فرصت‌هایی

اجرای کنسرت «سی»، اثری با همکاری همایون شجریان و سهراب پورناظری، بازیگران شناخته‌شده و گروهی ۴۰نفره از هنرمندان جوان، به زمانی دیگر موکول شده است. در بیانیه‌ای که خبر از به حالت انتظار درآمدن این پروژه داشت، آمده است: «در زمانی بهتر و در روزگاری مهربان‌تر، با دلی خوش‌تر و اذهانی سبک‌بال‌تر روزگاری که مردم شریف این مرزوبوم غم‌ها و نگرانی‌های معیشتی کمتری نسبت به حال و آینده خود داشته باشند و زمین و زمان محکمرتی زیر پایشان باشد به مرحله اجرا درآید».

•می‌دانیم که چهار ماه فعالیت برای اجرای یک برنامه و بعد کنارگذاشتن آن چه غم عمیقی برای دست‌اندرکاران به همراه دارد. اما برای مخاطبان نیز این پیام ناخوشایند با حس اندوه همراه است، اندوهی که با انتظار و شگفتی پیوند خورده است، به‌ویژه وقتی در می‌یابیم که پیشنهاد به حالت انتظار درآمدن را همایون شجریان داده است.

•این تصمیم ناراحت‌کننده و یأس‌آور است، نه فقط برای حاضران در پروژه بلکه برای مخاطبان آن نیز. ناراحت‌کننده و یأس‌آورتر از آنکه با کنارهم‌چیدن کلمات زیبایی همچون «سبک‌بال»، «خوش»، «شریف»، «زمین و زمان محکم» و جمع‌وجورش کرد و با موکول‌کردن آن به روزی که مردم «غم‌ها و نگرانی‌های معیشتی کمتری» داشته باشند، مسئولیت اجتماعی را تمام‌شده تلقی کرد.

•شاید برای همین غم و نگرانی‌ها، مسئولیت زیادی بر عهده «همایون شجریان» بود، شاید به همین خاطر است که وقتی می‌خوانیم پیشنهاد این عقب‌افتادن از سوی همایون شجریان داده شده است، بیشتر ناراحت می‌شویم و بلافاصله این سؤال پیش می‌آید که مگر او فرزند شجریان بزرگ نیست. شجریان‌ای که در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها همراه مردم بود و هست، از پیش از انقلاب تا دهه ۶۰ تا زمان زلزله بم تا حالا.

•این سؤال پیش می‌آید که آیا همایون شجریان و دیگر دست‌اندرکاران این پروژه لحظه‌ای فکر نکردند که به‌گونه‌ای دیگر هم می‌توانند در این روزهای سخت، با غم و نگرانی‌های معیشتی مردم همراه باشند؟ ما تجربه همراهی هنرمندان را در روزهای بمباران داریم. بسیاری از آثار بزرگ در آن روزگار خلق شدند و به مردم دلگرمی دادند. با وجود کمبودها برنامه‌های متنوع برای مردم برگزار می‌کردند تا هنر زنده بماند. اتفاقاً در روزهای سخت، رویدادهای هنری باید بیشتر باشد و به تسکین

تحلیل

آقای همایون نگران نام شجریان باشید!

کیسو ففغوری

دردهای مردم کمک کند. مثلاً نمی‌شد همچنان که برخی در شبکه‌های اجتماعی پیشنهاد داده‌اند، به جای تعلیق کنسرت، کمی از قیمت بلیت‌ها کم می‌شد؟ آیا نمی‌شد برای کاستن از آلام مردم در شهرهای محروم رایگان برگزار می‌شد؟ آیا نمی‌شد دستمزد کمتری دریافت می‌کردند؟ نمی‌شد برای همراهی با مردم سود این کنسرت صرف کمک به محرومان می‌شد؟

•این تصمیم در حالی گرفته شده که روابط عمومی اعلام اجرا سه‌دآباد ۳۰۰ درصد افزایش یافته است (به بیانی دیگر احتمالاً مبلغ قبلی نزدیک به رایگان بوده) و ناگزیر شده‌اند که کنسرت در رویال‌هال تهران با دوهزارو ۵۰۰ نفر ظرفیت برگزار شود و این یعنی مخاطب برنامه کاملاً مشخص شده که از چه قشری باشد. حرکت از یک برنامه فرهنگی و هنری به سمت یک برنامه تجاری هنری، نقدی بود که در اجرای نخست این کنسرت نیز مطرح شد، اما آنچه این‌بار در حال روی‌دادن است، کمی فرق دارد. مرحله قبل یک شرکت تجاری اسپانسر برنامه بود، شرکتی که گفته می‌شود به دلیل مشکلات پیش‌آمده برای برنام و تهدیدهای آمریکا در حال رفتن از ایران است و دیگر به‌عنوان آگهی‌دهنده و حامی محصولات فرهنگی و هنری نمی‌خواهد فعالیت داشته باشد. از سوی دیگر شایعه‌هایی نیز در فضای شبکه‌های اجتماعی مطرح شده: آیا این پیام شعارگونه گروه سی به این دلیل نبوده که نتوانسته‌اند حمایتگری تمام‌عیار پیدا کنند؟ آیا به خاطر نگرانی از فروش بلیت به بهای واقعی در غیاب اسپانسرها نیست؟

• راستی برگزارکنندگان پروژه «سی» نمی‌شد کمی به مردم اعتماد می‌کردند، شاید نتیجه می‌گرفتند: خیلی زود از میزان فروش بلیت‌ها مشخص می‌شد. منظور مردم فرهنگ‌دوست، نه آن کسانی که توان رفت‌وآمد به مکانی نظیر رویال‌هال را دارند. مردمی که یک بلیت کنسرت - نمایش سی بخش زیادی از حقوق ماهانه‌شان است اما برای تماشای آن حتماً اقدام می‌کنند و سعی می‌کنند با گردن کشیده و به سختی تماشاگر اجرا باشند.

• در نهایت این آرزو برایمان باقی می‌ماند که همایون بیشتر نگران نام شجریان باشد. این نامی است که انتظارات از آن زیاد است و به‌راحتی نمی‌توان از کنار تصمیم‌های بزرگاه و ناخوشایند آن گذشت. تصمیم‌هایی که بارقه سود را پس کلمات زیبا پنهان می‌کند.

پیشنهاد

ماندلا؛ مبارز بی‌کینه

شک‌نجه، مبارزه با آپارتاید، زندان ۲۷ ساله، مبارزه و مبارزه و بخشش، گذشت و البته مقاومت ماندگار شد. مردی که به همه پیشنهاد داد انتقام را فراموش و زندگی در کنار هم را تجربه کنند؛ اتفاقی که سبب شده است بسیاری از سفیدپوستان آفریقای جنوبی او را بستانند. جاوید قربان‌وعلی، نویسنده کتاب «ماندلا؛ مبارز بی‌کینه» در کتاب ۲۷۲صفحه‌ای خود از مردی نوشته است که برای ساختن کشوری بدون نژادپرستی و انسانی‌گام برداشته است. این کتاب مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و مقاله‌ها و حتی سخنرانی‌های ماندلاست. «خامی و ماندلا»، «زندگی خصوصی پرمزورز ماندلا»، از بخش‌های این کتاب است که انتشارات اطلاعات آن را منتشر کرده است و خواندن آن شاید بیشتر از مردم عادی برای سیاست‌مداران ضروری به نظر می‌رسد.



ماندلا،مبارز بی‌کینه

بیش از دو سال از اولین چاپ کتاب «ماندلا، مبارز بی‌کینه»، یادداشت‌های سفیر ایران در آفریقای جنوبی می‌گذرد. جاوید قربان‌وعلی، سفیر سابق ایران در آفریقای جنوبی بود که حاصل تجربه نزدیک پنج سال حضورش در این کشور و ملاقات‌های متعدد با ماندلا را در کنار هم جمع‌آوری و منتشر کرده است. مقدمه، رئیس‌جمهور دوران اصلاحات، نیز در ابتدای این کتاب آمده که به آن اعتباری مضاعف بخشیده است. در این کتاب کوشیده شده که از زوایای گوناگون زندگی سیاسی و اجتماعی مبارزی سخن بگوید که پیوند عناصر ظاهراً غیرقابل‌جمع «سیاست» و «اخلاق»، را در کنار هم قرار داده است و به‌عنوان یک سیاست‌مدار اخلاق‌مدار در تاریخ از او یاد می‌شود؛ مردی که در زمان حیاتش نیز به اسطوره‌ای بی‌بدیل تبدیل شده بود. نام او همواره در کنار واژه‌هایی نظیر

www.refah-bank.ir

مرکز فراد: ۰۲۱-۸۵۳۵

بانک رفاه کارکنان